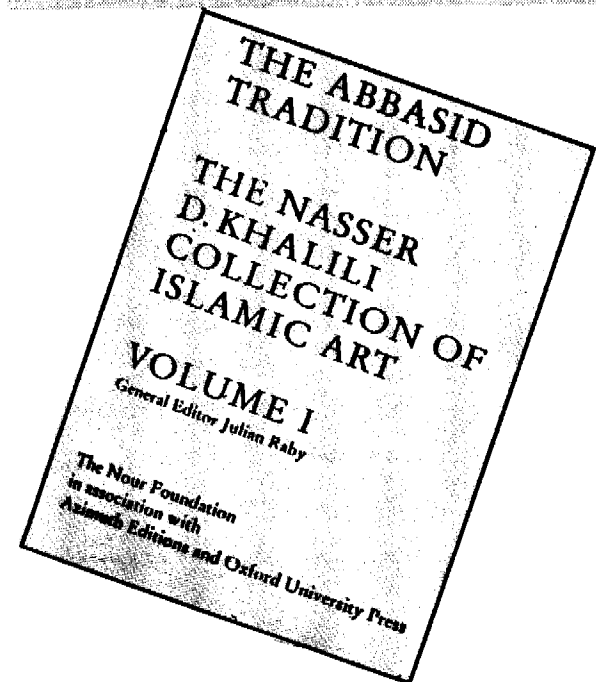


سبک عباسیان

در کتابت قرآن

شادی نفیسی



سبک عباسیان^۱ (قرآن‌های قرن ۸ تا ۱۰ میلادی)، فرانسوا درش^۲، مؤسسه نور با همکاری انتشارات دانشگاه آکسفورد (عزیمت)، رحلی، ۱۹۱ص.

آنگاه که از آسمان فرود آمد، در قالب واژگانی پر معنا و کلامی آهنگین، هیچ کس از آگاهان به زبان را در برابر آن تاب ایستادن نبود؛ یکسر شیفتگی بود و جذابیت و این کلام آسمانی «قرآن» نام داشت. زیبایی، حلاوت، شگفتی و تاثیرگذاری این کلام، در میان اعرابی که یکسر با آن به مخالفت برخاسته بودند، آنچنان شگفت می نمود که شاید مناسب ترین واژه ای که آن را باز می گفت «مسحور کنندگی» بود. زیبایی کلام در کنار استواری معنا و بلندی مفاهیم، همواره در طول قرن‌هایی که از نزول آن می گذرد و همچنان در هر تلاوتی تازگی خود را حفظ کرده است، مردان و زنان بسیاری را شیفته خود ساخته است که تمامی توان خود را برای حفظ آن به کار بستند: چه بسیار خون‌ها که برای ماندگاری آرمان‌هایش بر زمین ریخته شد و قلم‌ها و زبان‌هایی که برای تبلیغ پیامش به کار بسته شد و شیفتگانی که با علاقه مندی این مجموعه عظیم را، حرف به حرف و حرکت به حرکت، در سینه خود جای دادند و نیز عالمانی که به کتابت آن همت گماشتند.

«خط» یکی از ابزارهای مهم تمدن و توسعه آن تلقی می شود و بی شک، نقش آن در انتقال قرآن به سرتاسر عالم اسلام که از شرق تا غرب آن روز را به تسخیر خویش در آورده بود، بی بدیل است. گزاف نخواهد بود اگر بگوییم، هیچ کتابی در طول تاریخ بشری به مقدار قرآن، کتابت و چاپ و تکثیر نشده است و نه هیچ کتابی تا به امروز این همه شرح و تفسیر به خود دیده است. در عین حال رابطه خط و قرآن را باید رابطه ای متقابل دانست: همچنان که خط به حفظ و گسترش قرآن کمک کرده است، قرآن نیز الهام بخش توسعه و تکامل آن بوده است. در واقع تلاش عالمان را در ابداع شیوه‌های ضبط دقیق تر صداها، حرکات، اعراب، تشدید و ... را باید نمودی از تلاش آنان برای خواندن صحیح تر قرآن دانست. در عین حالی که این کلام آسمانی، که

1. Abbasid Tradition.

2. Francois Deroche.

در جان آنها رسوخ کرده و عشق و شیفتگی شان را به همراه داشته، موجب شده تا در نگارش آن تمام هنر و خلاقیت خود را به کار گیرند و مجموعه‌هایی نفیس از هنر خطاطی و تذهیب فراهم آورند.

فهرست مصور^۳ زیر که مجموعه‌ای از قرآن‌های قرون اولیه را معرفی کرده است، در عین حالی که تحول خط عربی را نشان می‌دهد، گوشه‌هایی از هنر و خلاقیت مسلمانانی را که در تهیه این قرآن‌ها به کار رفته است، به تصویر کشیده است. باشد که میراث گذشتگان افتخار آیندگان و الهام بخش آنان باشد.

مؤلف کتاب، مدیر گروه مطالعات در مدرسه عملی مطالعات عالی^۴ در پاریس و مدرس دروس اعراب عصر جاهلی و تاریخ کتاب در جهان اسلام و نویسنده مقالاتی درباره خوشنویسی^۵ و خط‌شناسی رمزشناسی (Codicology) است. او پیش از این دو فهرست مصور از مواد قرآنی برای کتابخانه ملی^۶ در پاریس تهیه کرده است که این همه او را متخصصی سرآمد در مسائل مربوط به قرآن‌های سده‌های نخست ساخته است. (داخل پشت جلد)

این کتاب در واقع اولین مجلد از مجموعه فهرست‌های مصور (کاتالوگ) ۲۶ جلدی است که هنر در جهان اسلام را بر مبنای کلکسیون دکتر خلیلی گزارش می‌کند. چهار جلد اول این مجموعه قرآن‌های دوره‌های مختلف را گزارش می‌کند: جلد اول (کتاب حاضر) به قرآن‌های قرن ۸ تا ۱۰ میلادی اختصاص دارد؛ جلد دوم، مربوط به قرن ۱۱ تا ۱۴ است؛ جلد سوم، قرآن‌های قرن‌های ۱۵ و ۱۶ و جلد چهارم قرآن‌های قرن ۱۷ تا ۱۹ میلادی را گزارش می‌کند. مجلدات بعدی این مجموعه درباره نسخه‌های خطی عربی، صحافی، مینیاتور، کتاب‌های نادر خواهد بود. سرامیک، کارهای فلزی، ابزارهای علمی، مهره، کاشی، شیشه، جواهرات، سکه، ابزارهای جنگی و در نهایت شاهکاری منتخب موضوع مجلدات دیگر این مجموعه هستند. (داخل پشت جلد)

دکتر خلیلی که این مجموعه، گزارشی از کلکسیون او است، از بیست سال پیش با این هدف که بتواند اشیای فرهنگی جهان اسلام را به صورت شامل و فراگیر به تصویر کشد، به جمع‌آوری گسترده‌ترین طیف از اشیای نفیس پرداخته است. اگر چه می‌توان گفت که این هدف تا حدودی محقق شده است، اما قصد او در درازمدت، فراهم آوردن موجبات شناخت عمیق‌تر هنر اسلامی و معرفی آن است. انتشار این فهرست‌های مصور که در عین آنکه به زیبایی تزیین شده‌اند، متضمن تحقیقات علمی نیز هستند، گامی در تحقق این هدف است. در

همین راستا طرح تأسیس یک موزه بزرگ هنر اسلامی نیز که این کلکسیون را در خود جای دهد، در دست بررسی است. او به همین منظور کرسی هنر و معماری اسلامی را در دانشگاه لندن و گروه مطالعات هنر اسلامی را در دانشگاه آکسفورد بنیاد نهاده است. (داخل جلد)

کلکسیون دکتر خلیلی به لحاظ طیف مواد قرآنی‌ای که در اختیار دارد، بزرگ‌ترین مجموعه‌ای است که در اختیار بخش خصوصی قرار دارد. اما وسیع‌ترین و ارزشمندترین کلکسیون قرآنی متعلق به کتابخانه قصر توپکای^۷ در استانبول است که بخش عمده کتابخانه سلطنتی پیشین متعلق به سلاطین عثمانی را در اختیار دارد. البته مجموعه‌های ارزشمندی هم در کتابخانه آستان قدس رضوی وابسته به حرم امام رضا(ع) در مشهد، موزه ایران باستان در تهران، کتابخانه ملی در قاهره و چندین کتابخانه موزه در هند نگهداری می‌شوند. این در حالی است که مجموعه توپکای با توجه به موقعیت ویژه آن، کاملاً فراگیر است، ولی مجموعه‌های دیگر نه تنها کوچک‌تر بلکه محدود و مختص به منطقه خاصی هستند. مهم‌ترین کلکسیون‌های قرآنی در خارج از جهان اسلام در کتابخانه بریتانیا^۸ در لندن، در کتابخانه ملی بیلیوتک^۹ در پاریس، در کتابخانه واتیکان در رم و در کتابخانه چستر بیتی^{۱۰} در دوبلین قرار دارند. با این همه به استثنای مورد آخر، هیچ‌گونه بررسی هدفمند و منظم علمی، بدانسان که بر روی نسخه‌های ادبی، تاریخی و علمی صورت می‌گیرد، درباره این مجموعه‌ها صورت نگرفته است و از این نظر این کتاب تلاشی جدید در جهت رفع این نقیصه است. (صفحه ۹)

کتاب حاضر به بررسی نسخه‌های قرآنی پیش از هزاره اول میلادی پرداخته است و نسخه‌های موجود را بر اساس نوع خط

3. catalogue.

4. Ecole pratique des Hautes Etudes.

5. calligraphy.

6. Bibliotheque Nationale.

7. Topkapi Palaa Library Topkapi.

8. British Library.

9. Bibliotheque Nationale.

10. Chester Bcatty.



آنها دسته‌بندی کرده است. با توجه به آنکه سه دسته خط در این دوره شناسایی شده‌اند، نسخه‌ها در سه فصل معرفی شده‌اند: فصل اول نادرترین و قدیمی‌ترین قرآن‌ها را با خط حجازی در بر می‌گیرد؛ فصل دوم نسخه‌هایی را که به خط اولیه عباسی نگاشته شده‌اند، معرفی می‌کند. از این خط ۶ سبک مختلف شناسایی و نمونه‌های متعددی برای هر گروه معرفی شده‌اند. فصل سوم به سبک جدید عباسی اختصاص دارد که تا قرن ۱۳ میلادی استفاده می‌شده است. این کتاب دارای مقدمه‌ای مفصل است که مؤلف در آن توضیحات روشنگری درباره‌ی روش کار خود، مبنای کتیبه‌شناسی مورد استفاده، علت نامگذاری خط‌ها، خصوصیات نسخه‌ها به لحاظ تاریخ نگارش، مواد، صحافی، جلد، تذهیب داده است. علاوه بر این، ۵ جدول ارائه شده‌اند که مبنای کتیبه‌شناسی مؤلف را نمایش می‌دهند. بیش از ۹۰ نسخه در فصل‌های مختلف به طور کامل معرفی شده‌اند؛ از جمله دو برگ از قرآن‌آبی معروف که بر پوستی به رنگ آبی با آب طلا نوشته شده است؛ و نیز قسمت‌هایی از تنها نسخه قرآنی شناخته شده که در پالموی سیسیل تهیه شده است. (داخل جلد)

مقدمه

بیشتر قرآن‌هایی که در این مجموعه معرفی شده‌اند، به خطی که معمولاً «کوفی» نامیده می‌شود، نوشته شده‌اند. اما در این مجموعه - با توجه به توضیحاتی که خواهد آمد - با نام کلی «سبک عباسیان» خوانده شده است. این نام برگرفته از نام سلسله‌ای است که از قرن ۸ تا ۱۳ میلادی (۷۵۰-۱۲۸۵۹ م) بر جهان اسلام حکم می‌راند که در این دوره این خط رواج داشته است. اگر چه از قرن ده، سبک عباسی به مرور، در کتابت قرآن جای خود را به انواع خط شکسته و معمول‌ترین آن، محقق و نسخ، داد؛ اما عملاً چندین قرن طول کشید تا فرایند جایگزینی کامل شود. لذا تا قرن ۱۳، قرآن‌هایی که به این سبک نوشته شده‌اند، همه در این مجموعه عرضه شده‌اند. (ص ۱۱)

خط کوفی

بیشتر آنچه درباره‌ی تاریخ خطاطی اسلامی در اختیار است، مبتنی بر اطلاعاتی است که در منابع متأخر عربی، ترکی و فارسی وجود دارد. در تمام این منابع نام «کوفی» بر هر نوع خطی که متعلق به سده‌های نخست است، اطلاق شده است. در غرب، مطالعه این خطوط از اواخر قرن ۱۸ میلادی با کار آدلر^{۱۱} (۱۷۵۶-۱۸۳۴ م) آغاز شد. او که در صدد تهیه فهرست مصوری از نوشته‌های قرآنی موجود در کتابخانه سلطنتی کپنهاگ

بود، کوشید تا در طبقه‌بندی این مواد از همان واژگان و اصطلاحاتی که خود مسلمانان به کار برده‌اند، استفاده کند. از آنجا که تنها ۵ نمونه از نوشته‌های قرآنی را در اختیار داشت و طبیعتاً تنوع خط آنها بسیار اندک بود، همان‌طور که عنوان «کوفی» را که در آثار فیروزآبادی و ابن خالقان به کار رفته بود، برگزید. اما به تدریج نمونه‌های بیشتری از قرآن‌نوشته‌های سده‌های نخست به دست آمد و روشن شد که نه یک خط بلکه طیف گسترده‌ای از خطوط در این دوره استفاده می‌شده است. (ص ۱۱)

انتشار فهرست ابن ندیم در سال ۱۸۰۸، نیز بر این واقعیت صحه گذارد که در سده‌های نخست هجری، تنوع گسترده‌ای به لحاظ خط وجود داشته است. با این همه تا مدت‌ها تلاشی صورت نگرفت تا بر مبنای این واقعیت، نسخه‌های این دوره بررسی شوند و انواع خط به کار رفته در آنها شناسایی شود. میشل آماری^{۱۲}، شرق‌شناس سیسیلی (۱۸۰۶-۱۸۸۹ م) اولین کسی بود که اقدام به اصلاح نظام طبقه‌بندی آدلر کرد. او بر اساس توصیفات دقیقی که ابن ندیم از خط معروف مکی می‌دهد، به شناسایی آن در قرآن‌نوشته‌های موجود توفیق یافت. در کتاب حاضر عنوان کلی‌تر «حجازی» برای این نوع خط انتخاب شده است. متأسفانه این گونه مطالعات خط‌شناسی پی گرفته نشد و در نتیجه پیشرفتی در این حوزه صورت نگرفته، دو مسأله اصلی یعنی شناسایی و طبقه‌بندی انواع خط‌ها و تعیین تاریخ نگارش آنها همچنان باقی است و حتی در مواردی بر ابهامات افزوده شده است. (ص ۱۲)

ماهیت قرآن‌نوشته‌های این کتاب

بیشتر قرآن‌نوشته‌هایی که به پیش از قرن ده میلادی تعلق دارند، کامل نبوده، تنها قسمتی از یک نسخه هستند که بعضاً از یک تک صفحه یا بخشی از آن تجاوز نمی‌کنند. در واقع این قسمت‌ها متعلق به قرآن‌هایی بوده‌اند که به دلیل فرسودگی یا از آن رو که دیگر خط آنها قابل خواندن نبوده است، کنار گذاشته شده بودند. از آنجا که مسلمانان به قرآن که کلام خداوند است، احترام خاصی می‌گذارند، چنین قرآن‌هایی را که به دلایل عنوان

11. Adler.

12. Michele Amari.

شده، دیگر قابل استفاده نبودند، در محل یا اطای از ساختمان مسجد نگهداری می کردند، تا از هر گونه بی احترامی محفوظ باشند. بیشتر قرآن های یافت شده به این صورت انبار شده بوده اند. در مسجد اموی، محلی که به این کار اختصاص داشته است، ساختمان کوچکی در حیاط مسجد بوده است؛ در مسجد جامع قیروان، اطای در ضلع شمالی حیات؛ در مسجد صنعا، محلی بین سقف و پشت بام و در حرم امام رضا(ع)، در قسمتی به نام دارالسلام. با توجه به اینکه هدف از انبار کردن این قرآن ها صرفاً حفظ آنها از هر گونه بی احترامی بوده است، پس از انبار شدن دیگر مورد سرکشی قرار نگرفته، به فراموشی سپرده می شدند و در نتیجه به مرور بر اثر عوامل طبیعی فرسوده و در نهایت از بین می رفتند؛ بدانسان که هنگام کشف دوباره آنها در قرن ۱۹ و ۲۰، جز تلی از اوراق چیزی از آنها باقی نمانده بود. پس از کشف، برخی از این محموله های قرآنی یکجا حفظ و نگهداری شدند، در حالی که برخی دیگر، هر ورق آن در یک کلکسیون یا موزه، در سرتاسر جهان پراکنده شدند. قرآن نوشت هایی هم که در این کلکسیون وجود دارند، بخش های پراکنده ای از همین دست هستند. لذا هر کس که در صدد ارزیابی و تحلیل این مواد باشد، باید اجزای هر نسخه را با بخش های دیگر همان نسخه در جاهای دیگر مقابله کند؛ در حالی که این کار با توجه به کمبود منابع قابل اعتماد بسی دشوار است: فهرست مصوری برای همه نسخه های قرآنی در کلکسیون های مختلف وجود ندارد، آنجایی هم که هست، فاقد اطلاعات لازم است. (ص ۱۳)

تعیین تاریخ نگارش نسخه ها

تعیین تاریخ نگارش نسخه های قرآنی کاری بس دشوار است. تعداد بسیار اندکی از قرآن های چهار قرن اول هجری، متضمن تاریخ نگارش هستند. مواردی هم که وجود دارد بیشتر مربوط به وقفیه هایی است که در آن تاریخ وقف - و نه نگارش - نسخه ها به مسجد یا مؤسسه مذهبی ثبت شده است. چنین تاریخ هایی تنها می تواند نهایت محدوده تاریخی نگارش نسخه ها را معین کند؛ چرا که ممکن است عمل وقف مدت ها پس از نگارش صورت گرفته باشد. البته نسخه های قرآنی ای که در دمشق پیدا شدند، متضمن نوع دیگری از تاریخ نویسی هستند: تاریخ تولد یا وفات اشخاص بر صفحه اول یا آخر قرآن. اما تفسیر این گونه تاریخ ها هم همانقدر دشوار است که تفسیر وقفیه ها. نهایت آنکه مشخصات کاتب، تاریخ و محل نگارش کمیاب ترین نوع نوشته هایی هستند که می توان بر روی قرآن ها یافت؛ از میان این شمار اندک نیز، بیشتر آنها جعلی می باشند. (ص ۱۳)

محل نگارش

شواهد در مورد محل و منطقه ای که قرآن ها در آنجا نگاشته شده اند، بسی نادرتر و دست نیافتنی تر از اطلاعات در مورد تاریخ آنها است. نسخه های قرآنی، به خصوص انواع کوچک آن، بسیار قابل حمل و جابه جایی بوده اند. پیدا شدن یک قرآن در محلی خاص به هیچ عنوان دال بر این نیست که حتماً در همان جا نوشته شده باشد که در نتیجه بتوان گفت خط و یا تذهیب آن، مشخصه آن منطقه خاص است. (ص ۱۳) همچنان که تعداد زیادی از قرآن های کتابخانه پیشین مسجد اموی دمشق، مغربی هستند. برخی از آنها را احتمالاً از شمال آفریقا به سوریه برده اند؛ اما برخی دیگر نیز ممکن است در خود دمشق توسط عالمان مغربی یا مسافران و زائران آن خطه نگاشته شده باشند. (ص ۱۴)

خط به عنوان مبنای طبقه بندی

در متون مرجعی که در اختیار ما است، اطلاعات مفید درباره انواع خطوط عربی سده های نخست، بسیار اندک است. لذا در این تحقیق از اطلاعات کتیبه شناسی^{۱۳} و تجزیه و تحلیل خود خط برای شناسایی و طبقه بندی انواع خطوط استفاده شده است. اگر چه به کارگیری این روش در مورد خط عربی در ابتدای راه است و هنوز پخته نشده است، اما از این مزیت برخوردار است که در عین کاربردی بودن، قابلیت تطبیق بر تمام نمونه ها را دارد. در این شیوه ظاهر خارجی حروف، ابعاد کلی خط، قطر آن، شیوه حرکت قلم در نوشتن حروف مورد توجه قرار می گیرد؛ البته از تأثیری که قطع و ساختار کتاب در نوشتن کلمات دارد، غفلت نمی شود.

در بررسی شکل حروف، از آنجا که پایه برخی حروف مشابه هستند و نیز همه حروف احیاناً در یک متن بکار نمی روند، تنها تعدادی که از بقیه ممتاز می باشند، انتخاب می شوند. در اینجا شش حرف به عنوان شاخص مقایسه در نظر گرفته شده اند:

13. palacographic.



۱ و ۲. حرف الف در حالت مستقل^{۱۴} و پایانی^{۱۵}

۳. حرف عین / غین در حالت میانی^{۱۶}

۴. حرف میم در حالت پایانی

۵. حرف نون در حالت پایانی

۶. حرف حاء در حالت میانی

برای استفاده از پوست، باید آن را دباغی کرده، گوشت و چربی ای که از داخل به آن چسبیده، تراشیده می شده تا در نهایت دو طرف پوست به هم شبیه شده، برای نوشتن آماده گردد. با این همه آثار بر جای مانده از عمل تراشیدن، به تشخیص دو سوی پوست کمک می کند. این در حالی است که تعیین حیوانی که پوست به آن تعلق دارد، بسیار دشوار است. معمولاً از پوست بز و گوسفند استفاده می شده است. هیچ نمونه ای شناسایی نشد که در آن از پوست غزال استفاده شده باشد؛ این در حالی است که هم در منابع شرقی و هم غربی از آن یاد شده است. گاهی اوقات، پوست پیش از استفاده، رنگ می شده است. در این مجموعه نمونه ای از پوست رنگ شده به رنگ آبی و مورد دیگر به رنگ نارنجی مایل به قرمز، ارائه شده است.

قطع^{۲۱}

به لحاظ قطع، در قدیم کتاب ها به دو صورت طوماری^{۲۲} و تا شده^{۲۳} بوده اند. در دوره اسلامی شکل دوم بیشتر به کار می رفته، نمونه های اندکی از کتاب ها به صورت طوماری بوده اند. قدیمی ترین قرآن هایی که به خط حجازی وجود دارند، تا شده اند، با ابعادی که هم در قدیم و نیز در حال حاضر معمول است؛ یعنی بلندتر از آن هستند که عریضند. اما در یک دوره، قطعی از قرآن معمول شد که عرض آن بیش از بلندی اش بود و این ساختار افقی^{۲۴} حداقل تا قرن ۱۰ میلادی به کار می رفته است. اگر چه این تغییر ساختار تصادفی نبوده، ارتباطی هم با طبیعت مواد مورد استفاده یا تحولی در فن آوری آن نداشته

البته در برخی موارد از حالت پایانی عین / غین هم استفاده شده است. در جایی که حرف نون در حالت پایانی وجود نداشته، از قوس انتهایی س / ش یا ص / ض استفاده شده است. در مواقع ضرورت برای تکمیل مقایسه، حروف دیگر هم لحاظ شده اند. (ص ۱۴)

بر اساس این مطالعات، سه دسته خط اصلی در کتابت قرآن های سده های نخست شناسایی شده اند. اولین این سه دسته، خطی است که آبوت^{۱۷} آن را خط حجازی نامیده است و بر مبنای توصیفات دقیق و اجمالی ابن ندیم در الفهرست توسط آماری^{۱۸} شناسایی شده است. شناسایی دو دسته دیگر بسیار دشوار بود. اینها خطوطی را در بر می گیرند که با عنوان نامتجانس «کوفی» و در مواردی «کوفی شرقی» نامگذاری شده اند. در این کتاب، آنها با توجه به دوره ای که در آن رواج داشته اند و مقارن با حکومت عباسیان بوده است، سبک عباسی خوانده شده اند. برای تمیز این دو دسته خط، یکی به نام سبک اولیه عباسی^{۱۹} و دیگری سبک جدید^{۲۰} معرفی شده اند. هر یک از این سبک ها، به انواع فرعی تری تقسیم می شوند که آنها نیز احیاناً تقسیمات فرعی تری دارند. تاکنون شش نوع خط اصلی از سبک اولیه عباسی شناسایی شده است. برای کدگذاری این خطوط از حروف الفبای لاتین و اعداد رومی و احیاناً حروف کوچک لاتین استفاده شده است. البته توجه به این نکته ضروری است که این حروف و اعداد، به هیچ وجه خط ها را به لحاظ اهمیت ارزش گذاری نمی کنند و توالی زمانی آنها را نیز نشان نمی دهند. این نظام طبقه بندی قابلیت بسط و گسترش را داراست و می تواند با کشفیات جدید تکمیل شود. (ص ۱۶)

ساختار قرآن های این دوره

گرچه در آن دوره از پاپیروس و پوست، هر دو برای تهیه کتاب استفاده می شد، اما در نوشتن قرآن به کار بردن پوست غالب است. این امر به مدت پنج قرن در نیمه شرقی جهان اسلام و تا قرن ۱۴ میلادی در مغرب ادامه داشته است. به رغم آنکه در شرق به سرعت، کاغذ جایگزین پوست گردید، اما مدت ها طول کشید تا در کتابت قرآن استفاده شود. اولین قرآنی که بر روی کاغذ نوشته شد و تاریخ نگارش آن بر روی نسخه ثبت شده، متعلق به قرن ده میلادی است.

۱۴. حالت مستقل: حرف به هیچ حرفی - قبل یا بعد - متصل نشده است.

۱۵. حالت پایانی: حرف تنها به حرف قبلی متصل است.

۱۶. حالت میانی: وقتی که حرف به حرف قبلی و بعدی متصل شده است.

17. Abott.

18. Amari.

19. Early Abbasid style.

20. New style.

21. format.

22. scroll-volumen.

23. bound codex.

24. horizontal format.

است. به نظر می‌رسد، ملاحظات هنری و نیاز به متمایز ساختن قطع قرآن از انگیزه‌های آن بوده است. پس از این دوره، شاهد بازگشت دوباره به قطع عمودی^{۲۵} هستیم که در نتیجه بکارگیری کاغذ در تهیه قرآن است. (ص ۱۷ و ۱۸)

صحافی

واحدهای اصلی، قرآن‌های سده‌های نخست، حزب (quire) بوده است که تقریباً همیشه از پنج جفت ورق دوتایی پوست تشکیل می‌شده است. این ورق از وسط در امتداد محور عمودی تا شده، دوخته می‌شدند و یک quire ده ورقی را تشکیل می‌دادند. در جهان غرب، نحوه‌ی روی هم قرار دادن پوست، به لحاظ طرف داخلی و خارجی آن این بوده است که طرف مشابه هر پوست را روی دیگری قرار می‌دادند در نتیجه آخرین صفحه هر quire که در کنار اولین صفحه quire بعدی قرار داشت، همیشه از دو طرف خارجی پوست بود؛ در حالی که دو صفحه وسط quire، دو برگ با طرف داخلی پوست و در بقیه موارد، یک طرف داخلی روبروی طرف خارجی قرار می‌گرفت؛ البته استثنا هم وجود داشت. یادآوری می‌شود که حزب (quire) عبارت است از مجموعه‌ای از کاغذها که به هم دوخته می‌شوند و از کنار هم گذاشتن این دفترچه‌های کاغذی، یک کتاب درست می‌شود.

جلد ۲۶

جلدهای اندکی باقی مانده است؛ بیشتر نمونه‌ها از تخته‌های چوبی پوشیده با چرم تهیه شده‌اند که همواره یک میخ فلزی به لبه تخته زیرین، کویده شده و در مقابل آن تسمه‌ای قرار دارد که به دور میخ پیچیده می‌شود و امکان بستن کتاب را فراهم می‌آورد. مشکل اصلی که صحاف با آن روبرو بوده است، دشواری متصل کردن جلد به کتاب بود؛ چرا که وزن تخته‌های چوبی فشار زیادی را بر هر گونه وسیله اتصال وارد می‌آورده است. یکی از راه‌های متداول، چسبانیدن صفحه اول و آخر کتاب به تخته‌های جلد بوده است. از آنجا که این راه حل کارآمد نبوده، معمولاً تسمه‌های دومی وجود دارند که تسمه اصلی را تقویت می‌کنند و بعد از پاره شدن آن، جایگزین می‌شوند. (ص ۲۰)

خط کشی ۲۷

خط کشی عبارت است از خط‌های منظم افقی، عمودی، مورب و یا مدوری که بر روی صفحه قبل از استنساخ متن با کشیدن طرح‌های تزئینی کشیده می‌شود؛ با این هدف که به خطاط یا طراح، یک طرح زمینه ارائه دهد.

معمولاً خط کشی با قلم بدون مت^{۲۸} انجام می‌شده است، اما در مواردی هم از قلم سربی و جوهر استفاده می‌شده است. در نسخه‌هایی که به خط حجازی هستند، آثار خط کشی آشکار است و نشان می‌دهد که در آن زمان معمول بوده است. اما در نسخه‌هایی که به خط عباسی هستند، به ندرت آثار خط کشی هویدا است؛ این در حالی است که در تذهیب و ابعاد متن و خط‌ها، قوانین هندسی رعایت شده است. افزون بر اینکه در تذهیب‌های هم دوره آن از خط کشی استفاده می‌شده است و این همه نشان می‌دهد که این خوش‌نویسان و طراحان از نوعی خط کشی استفاده می‌کرده‌اند که هیچ اثر محسوسی بر روی پوست بر جای نمی‌گذاشته است. (ص ۲۱-۲۰)

تذهیب ۲۹

به سختی می‌توان نسبت قرآن‌های سده‌های نخست را که در آنها تذهیب به کار رفته است، حدس زد. بررسی محموله یافت شده در مسجد صنعا نسبت ۱۲/۵ درصد را نشان می‌دهد. با این همه، تذهیب همواره برای تعیین تقسیم‌های متن قرآن‌ها، چه به صورت ساده در نسخه‌های حجازی و چه به صورت پیچیده‌تر در سبک‌های بعدی به کار می‌رفته است.

از تزئینات^{۳۰} ساده یا پیچیده، برای تقسیم‌های متن استفاده می‌شده است؛ بین دو آیه، بین دو سوره، بین دو جزء و یا ابتدا و انتهای کل متن. آنچه بین دو آیه استفاده می‌شده، دو نوع بوده: یا پس از هر تک آیه می‌آمده و یا بعد از دسته‌ای از آیات: ۵ یا ۱۰ آیه. نشانه‌هایی که برای تقسیم تک آیه‌ها به کار رفته‌اند، سیر تکاملی را طی کرده‌اند؛ در نسخه‌های حجازی، مجموعه‌ای از نقطه‌ها بوده‌اند که بعدها به خط‌های مایلی که با نوک قلم ایجاد می‌شده، تغییر کرده‌اند و در نهایت به نقش‌های^{۳۱} مدوری تبدیل

25. vertical format.
26. binding.
27. ruling.
28. dry point.
29. illumination.
30. ornaments.
31. motif.

است. البته در این موارد حروف آنقدر تغییر شکل داده شده‌اند که به دشواری قابل شناسایی هستند.

برای تقسیم سوره‌ها، راه‌های مختلفی به کار رفته است. گاهی یک فضای خالی بین دو سوره قرار داده‌اند که بعدها در این فضای خالی نام سوره را می‌نوشتند. اما معمولاً یا بین دو سوره را با تذهیب پر می‌کرده‌اند و یا اطلاعاتی درباره سوره ارائه می‌دادند که این اطلاعات شامل نام سوره، تعداد آیات، محل و زمان نزول یا ترکیبی از این موارد بوده است. بعضاً از ترکیب هر دو استفاده کرده، اطلاعات را در تذهیب وارد می‌کردند. (ص ۲۳-۲۱) انواع تزئیناتی که برای تعیین دسته‌ده تایی از آیات به کار می‌رفته، همراه با کدهای آن در جدول شماره یک ارائه شده است. (ص ۲۵)

شده‌اند که معمولاً برای تعیین پایان هر آیه استفاده می‌شده‌اند. نکته قابل توجهی که از نمونه‌هایی که در اختیار ما هستند، به دست می‌آید، این است که استفاده از آیه- نشان‌ها، در قرآن‌های حجازی، معمول‌تر از قرآن‌های بعدتر به سبک B.II است؛ یعنی به نظر می‌رسد که در دوره‌ای در قرن سوم هجری این رسم رایج شده است که یا پایان آیه‌ها را با تذهیب معین کنند، یا اصلاً آنها را تعیین نکنند. در بیشتر تذهیب‌هایی که برای تقسیم آیات به کار رفته، از تصاویر هندسی استفاده شده و غیر آن، بسیار نادر است؛ البته به استثنا استفاده از حروف برای تعیین شماره آیات، بر اساس نظام شمارشی ابجد. در این میان به کار بردن «حاء» کوفی برای تعیین هر دسته پنج تایی از آیات از همه معمول‌تر

Table 1
Ornamental devices used to mark groups of ten verses in the early Qur'anic material in the Khalili Collection

1.A.I

1.A.II

1.B.I

1.B.II

1.B.III

1.D.I

1.D.II

1.F.IB

2.C.II

2.A.II

2.A.II

2.C.II

3.A.II

3.B.II

3.A.I

3.C.II

3.D.II

4.A.I

4.A.II

5.C.II

جدول ۱

نقش‌های تزئینی که برای تعیین دسته‌ده تایی از آیات در نسخه‌های قرآنی سده‌های نخست از کلکسیون خلیلی، به کار رفته‌اند.

3.I.I

A rosette

3.I.I

A rosette with coloured dots

3.I.I

A rosette inscribed within a circle, with coloured dots

نشانه‌هایی که برای تعیین دسته ۵ تایی از آیات به کار می‌رفته است

حاء کوفی

A Kufic ha'

نقش گلابی شکل

A pear-shaped ornament

An alif in two colours, outlined in red

در حاشیه صفحات ۲۱ تا ۲۳ نیز ترتیباتی که برای تقسیم تک آیه، ۵ آیه و ۱۰ آیه به کار می‌رفته نشان داده شده است. مقدمه کتاب با توضیحات مفصلی که آمده است، پایان می‌پذیرد. در پی آن، طی سه فصل، سه دسته خط این دوره همراه با نمونه‌های آن معرفی شده‌اند.

فصل اول: خط حجازی (ص ۲۷-۳۲)

خط حجازی نخستین از سه دسته خط شناسایی شده در این دوره است. این خط بر اساس توصیفاتى که ابن ندیم در الفهرست از شکل این خط می‌دهد، توسط میشل آماری^{۳۲} شناسایی شده است. با توجه به اظهارات ابن ندیم این خط در قرون اول و دوم هجری معمول بوده است. تعداد نمونه‌های مربوط به این خط آنقدر اندک هستند و خود آنها هم آنقدر کوتاه هستند و در خود یک دستخط هم آنقدر نوسان هست که به سختی می‌توان سنجی^{۳۳} برای آن مشخص کرد. با این همه، چهار نوع سبک برای این خط شناسایی شده است که در این مجموعه تنها برای دو نوع از آن نمونه وجود دارد.

تزیین این نسخه‌ها بسیار آسان بوده است. نوارهای ساده هندسی با جوهر بین سوره‌ها کشیده شده و مجموعه‌ای از نقاط یا خطوط مورب بین آیات قرار داده شده است. این قرآن‌ها بر روی پوست نوشته شده‌اند و قطع آنها عمودی بوده است. اما قطع افقی نیز در میان آنها دیده می‌شود که اندک و متعلق به سبک‌های متأخر حجازی هستند. به دلیل کوتاهی نمونه‌ها و اندکی آنها، اطلاعات خط شناسانه^{۳۴} ما از آنها بسیار کم است. (ص ۲۷-۳۲)

از این خط‌ها تنها سه نمونه در کلکسیون دکتر خلیلی وجود دارد. دو نمونه اول، تک برگی و متعلق به اوایل قرن هشتم میلادی هستند. نمونه سوم، سه برگی و متأخرتر، احتمالاً اواخر قرن ۸ و اوایل ۹ است. نمونه شماره ۱، فاقد نقطه‌های اعرابی است و در فواصل آیات از دو ردیف نقطه استفاده شده است و برای تعیین هر ۵ آیه از یک «الف» قرمز که دور تا دور آن نقطه است، استفاده شده است؛ یک دایره قرمز فاصله هر ۱۰ آیه را معین می‌کند. در وسط این دایره یک حرف قرار دارد که بنابر سیستم شمارشی ابجد شماره آیه را مشخص می‌کند.

فصل دوم: خط اولیه عباسی (ص ۳۴)

از این نوع خط، شش سبک عمده شناسایی شده است که بر اساس الفبای لاتین از A تا F کدگذاری شده‌اند. برخی از این انواع، خود دارای تقسیمات فرعی تر هستند که با اعداد رومی معین شده‌اند. میزان فراوانی همه این سبک‌ها یکسان نمی‌باشد. برخی مانند سبک B.II از فراوانی بسیار و برخی دیگر مانند D.II بسیار نادر

می‌باشند. اگر چه می‌توان برای این توزیع نابرابر، دلایل متعددی بر شمرد؛ اما در حال باید در تحلیل این مسأله بسیار محتاطانه برخورد کرد. به ویژه آنکه تقریباً تمام نسخه‌ها و قطعاتی که دانش ما بر پایه آنها استوار است، در نیمه غربی جهان اسلام و مشخصاً در انبارهای مساجد قاهره، دمشق، قیروان و صنعا یافت شده‌اند. در نتیجه تقریباً هیچ اطلاعی از وضعیت خط در نیمه شرقی جهان اسلام در اختیار نداریم و چه بسا پاره‌ای از انواع نادرتر خط، در این مناطق رواج داشته‌اند. لذا باید منتظر انتشار مشخصات و فهرست مصور نسخه‌های این مناطق باشیم تا بتوانیم میزان فراوانی سبک‌ها را تعیین کنیم و این در حالی است که در هیچ صورتی نمی‌توانیم مطمئن باشیم که عنصر اتفاق و شانس در نوع موادی که باقی مانده و به دست ما رسیده است، دخالت نداشته باشد و در نتیجه تصویر غلطی از گذشته را برای ما ترسیم نکرده باشد.

مؤلف در ادامه به ارائه توضیحات مفصلی درباره هر یک از انواع این سبک خط، مشخصات هر خط، محلی که نمونه‌ها در آن یافت شده‌اند و تاریخ احتمالی نگارش آنها، ارائه می‌دهد. برای روشن تر کردن مطالب، چهار جدول ارائه شده که در آن حروف شاخص و سبک نوشتن آنها طبق هر سبک نشان داده شده است. برخی از این سبک‌ها، مانند سبک A، E، F فاقد هر گونه تقسیم فرعی هستند؛ در حالی که سبک D، دارای پنج زیر مجموعه است که نوع پنجم آن نیز خود، به سه دسته تقسیم می‌شود. (ص ۳۵-۴۵)

جدول خط ۵

در پی این توضیحات کلی، نمونه‌هایی که با این خط نگاشته شده‌اند به تفکیک سبک نگارششان ارائه شده‌اند: نمونه‌های ۴-۱۰ متعلق به سبک A، B (ص ۴۹-۵۸)؛ نمونه‌های ۱۱-۱۸ متعلق به سبک C (ص ۵۸-۶۷)؛ نمونه‌های ۱۹-۶۱ مربوط به سبک D (ص ۶۷-۱۱۶)؛ سبک E با ۴ نمونه (ص ۱۱۶-۱۲۰)؛ سبک F (ص ۱۲۰-۱۲۳) و در پایان، نمونه‌های متفرقه (ص ۱۲۳-۱۳۲). در مجموع، در این قسمت ۷۰ نمونه معرفی شده‌اند.

در میان نمونه‌های مختلفی که در این قسمت ارائه شده

32. Michele Amari.

33. typography.

34. codicological.



پدرش، هارون الرشید، تهیه شده است که در این صورت قاعدتاً باید در مشهد آماده سازی و کتابت شده باشد؛ در حالی که عده ای آن را متعلق به قیروان می دانند. (ص ۹۲ و ۹۳)

نکته قابل توجه، رسمی است که در دوره ای از نگارش قرآن معمول شده بود، و آن عدم تعیین انتهای آیات است و مؤلف پیش از این به آن اشاره کرده است. (ص ۴۵ و ۹۸ و ۴۶ ص ۹۹).

نمونه شماره ۴۳ (ص ۹۶) متعلق به قرن ۹ یا ۱۰ میلادی و

است، نمونه شماره ۴۲ (ص ۹۲ و ۹۳) - دو ورق از نسخه ای موسوم به قرآن آبی - را باید منحصر به فرد شمرد. این قرآن با آب طلا بر پوستی به رنگ آبی نگاشته شده است. رنگ آبی، چه برای پوست و چه برای کاغذ، رنگی غریب و غیر معمول بوده است؛ همچنان که استفاده از آب طلا نشان می دهد که هزینه گزافی برای تهیه آن صرف شده است. برخی از محققان معتقدند که این نسخه به دستور خلیفه عباسی، مأمون، برای سر قبر

Table IV
Letter forms of group D

	Alif	Jim/hā/khā		Ṭā/zā	'Ayn/ghayn			Qāf
D.I	ا	ج	ح	ط	ع	غ	ق	
D.II	ا	ج	ح		ع	غ	ق	
D.III	ا	ج	ح		ع	غ		
D.IV	ا	ج	ح		ع	غ	ق	
D.Va	ا	ج	ح	ط	ع	غ		
D.Vb	ا	ج	ح	ط	ع	غ		
D.Vc	ا	ج	ح	ط	ع	غ		

نیمی از جدول شماره ۵

در این جدول، نوع چهارم (D) از خط سبک اولیه عباسی با انواع فرعی تر آن، به تصویر کشیده شده اند. این نوع خط، دارای ۵ قلم فرعی است که نوعی ۵ آن خود، ۳ تقسیم فرعی تر دارد (Vc / Vb / Va) در این قسمت از جدول چگونگی نوشتن حروف الف - جیم / حاء / خاء، - ط / ظ - عین / غ - ق ف نمایش داده شده است.

همانطور که عنوان «کوفی» برای اطلاق بر خط پیشین نامناسب بود. این عناوین نیز برای نامگذاری این نوع خط نامتجانس به نظر می‌رسند. لذا، در این کتاب نام دیگری برای آن انتخاب شده که نشانگر جایگاه آن در تاریخ کتابت قرآن است. اگر چه این نوع خط، از دیرباز در کتابت به کار می‌رفته، اما به کارگیری آن در این دوره برای استنساخ قرآن، امری جدید بوده است؛ در نتیجه آن را، «سبک جدید» نامیده ایم. (ص ۱۳۲)

از این خط، دو نوع مختلف شناسایی شده‌اند که بسیار با هم متفاوت می‌باشند: NS.I و NS.III. در جدول شماره ۶ (ص ۱۳۷-۱۳۶) ویژگی‌های این دو خط و تفاوت آن با دو خط از سبک اولیه عباسی که تعلق آنها به قرن ۹ ثابت است، نمایش داده شده است. از میان این دو خط، نوع دوم NS.III زودتر از دیگری در کتابت قرآن به کار رفته است. این نوع خط در قرن ۹ میلادی، خطی بوده است که برای کتابت متون غیر قرآنی رواج داشته است. همین گسترش موجب شده تا به تدریج تا اواخر قرن، جایگاه خود را در کتابت قرآن بیابد و پس از آنکه مدت‌های طولانی، قرآن به هر دو سبک اولیه و جدید عباسی نگاشته می‌شده، در نهایت جایگزین سبک اولیه گردد. سادگی سبک جدید و رواج آن در کتابت روزمره، از عوامل مؤثر در غلبه آن بوده است؛ همچنان که اقتباس برخی جزئیات هنری و نوشتاری سبک اولیه، در سبک جدید، توافقی هوشمندانه برای مشروعیت بخشیدن به آن، برای استفاده در کتابت قرآن تلقی می‌شود. چنانکه در نمونه‌های شماره ۸۷ و ۸۸ که احتمالاً متعلق به قرن ۱۲ هستند، دیده می‌شود، شیوه سنتی تعیین حرکت و اعراب حروف همچنان حفظ شده است؛ حتی در مواردی هم که از شیوه جدید تعیین حرکات استفاده شده، همچنان از رنگ قرمز، مانند شیوه سنتی، در نوشتن آن استفاده شده است. (بنگرید: نمونه شماره ۸۴) (ص ۱۳۳-۱۳۴)

به کارگیری این سبک در نوشتن قرآن، با پیدایش تغییرات قابل توجهی در تولید کتاب، در جهان اسلام، همزمان بوده است. این تحولات که در اواخر قرن ۹ میلادی آغاز شدند، تا پایان قرن ۱۰ ادامه داشتند. در نتیجه نسخه‌های این دوره به لحاظ قطع، نوع مواد، اندازه نسخه‌ها، چگونگی چینش حزب‌ها، دستخوش تغییر شدند. حتی در تذهیب هم سبک‌ها و طرح‌های جدیدی به کار گرفته شد که مهم‌ترین آن رواج طرح‌های مدور تمام صفحه است. همچنین در ابتدا برخی نسخه‌ها، جدول‌هایی قرار داده شد که تعداد سوره، آیه، کلمه، حرف و حتی نقط و اعجام را هم

۳۵. نام این خطوط به ترتیب عبارت است از:

EasteRn Kufic - EasteRn PERSIAN Kufic - Broken Kufic
- Western Kufic - Broken cursive.

نمونه‌های شماره ۴۵ و ۴۶ و ۵۱ (صفحات ۹۸-۹۹-۱۰۳) متعلق به همین دوره، به این لحاظ در خور توجه هستند. در این نسخه‌ها انتهای آیات معین نشده، اما پس از هر پنج آیه، از نشان «حاء» کوفی استفاده شده است.

همچنان که نمونه شماره ۴۴ (ص ۹۷) به رغم آنکه متعلق به اواخر قرن ۹ یا نیمه اول قرن ۱۰ میلادی است، فاقد نقط و اعجام است. این در حالی است که نسخه‌های قدیمی‌تر، مانند نسخه شماره ۴ (ص ۴۹) متعلق به نیمه قرن هشتم میلادی یا اوایل قرن نه، دارای نقط و اعجام است. شاید بتوان گفت این موضوع حکایت از اهتمام مسلمانان به حفظ سنت‌های پیشینان در نگارش قرآن دارد. نسخه‌های شماره ۱۹ (ص ۶۷) و ۴۱ (ص ۹۰-۹۱) نیز با آب طلا نگاشته شده‌اند و از رنگ‌های مختلف برای اعراب گذاری، تشدید و ... استفاده شده است. در نسخه شماره ۱۹ که متعلق به قرن ۹ میلادی است، از رنگ قرمز برای اعراب گذاری، از نقطه سبز برای همزه و از آبی برای تشدید و حرکت استفاده شده است. این نمونه که یک تک ورق است - و آیه ۴۳ و ۴۴ سوره سبأ را در بر دارد - یکی از عالی‌ترین نمونه‌های آب طلا کاری است. نسخه شماره ۴۱، پنج ورق و متعلق به قرن ۹ میلادی است. این نسخه که بر روی پوست نوشته شده، تمام صفحات آن دارای حاشیه‌ای از تذهیب است. در این نمونه، پایان هر تک آیه، ۵ آیه و ۱۰ آیه با تزئینات مختلف معین شده است. حروف دارای نقطه و اعجام هستند که با خط‌های مایل کوچک نشان داده شده است. پوستی که برای نوشتن این نسخه تهیه شده، بسیار با دقت آماده شده است که تشخیص دو سوبه پوست را غیر ممکن می‌سازد. همچنان که در صحافی آن نیز دقت بسیار به کار رفته است و این همه، حکایت از کیفیت عالی قرآنی می‌کند که این برگه‌ها به آن تعلق دارند و با هزینه بسیار زیادی فراهم آمده‌اند.

فصل سوم: سبک جدید (ص ۱۳۲-۱۸۳)

خط‌هایی که در این فصل ارائه می‌شوند، ظاهری آشناتر دارند و در برخی موارد تا دوره‌هایی تقریباً نزدیک به ما، به کار می‌رفته‌اند. اما آگاهی ما از تاریخچه پیدایش این خط و محل آن بسیار اندک است. در متون مختلف، برای نامگذاری این خطوط، از اسامی مختلفی استفاده شده است:

کوفی شرقی، کوفی شرقی فارسی، کوفی شکسته، کوفی نسخ، کوفی غربی و شکسته^{۳۵}.

در همه این اسامی، جز مورد آخر، از عنوان مقید شده «کوفی» استفاده شده و این نشان می‌دهد که در نظر افرادی که این عنوان‌ها را انتخاب کرده‌اند، تفاوت فاحشی بین این خط و خط اولیه عباسی که آن را «کوفی» می‌خوانده‌اند، وجود داشته است.

مشخص می‌کرد. این گونه جدول‌ها، اول بار، در اواخر قرن ۹ پدیدار شدند و در طول قرن ۱۰، به تدریج کامل‌تر و پیچیده‌تر گشتند. ابتکار دیگری هم که در قرآن‌های این دوره مشاهده می‌شود، معرفی یک ترکیب جدید برای شروع قرآن است: به منظور متقارن ساختن صفحه آغازین، سوره حمد در صفحه سمت راست و قرینه آن، در صفحه سمت چپ، اولین آیات سوره بقره، نوشته می‌شد (ص ۱۳۵).

در این فصل، جدولی ارائه شده است (شماره ۶- ص ۱۳۶- ۱۳۷) که در آن ویژگی‌های دو نوع خط سبک جدید، در مقایسه با دو نوع خط از سبک اولیه، نمایش داده شده‌اند. در پی این توضیحات کلی، نمونه‌های مربوط به این سبک از شماره ۷۵ تا ۹۸، معرفی شده‌اند. از آنجا که این سبک تا قرن ۱۳ میلادی در کتابت قرآن به کار می‌رفته، تمام نمونه‌ها، از قرن ۱۰ تا ۱۳، یک جا در این کتاب معرفی شده‌اند.

از میان نمونه‌های این فصل، نسخه شماره ۸۱ (ص ۱۴۶ تا ۱۵۱) به لحاظ محل تهیه منحصر به فرد است. این نسخه، تنها قرآن شناخته شده‌ای است که در پالمیرای سبیل، تهیه شده است و در این کلکسیون ۲۰ ورق از آن، از آیه ۶۲ انبیاء تا ۱۱۳ شعراء، وجود دارد. قطع آن ۱۷.۶ × ۲۵ cm است و بر روی پوست نوشته شده. بر روی نسخه تاریخ نگارش آن، سال ۳۷۲ هـ. ق (۹۸۳-۹۸۲ میلادی) ثبت شده است.

متن با جوهر مشکی نوشته شده و فاقد نقط و اعجام است. برای نشان دادن حرکت حروف از نقطه‌های قرمز، برای همزه از زرد و در صورت مصادف شدن با سکون، از آبی استفاده شده است. تک آیات، دسته‌های ۵ تایی و ۱۰ تایی از آیات، حزب (۱/۶ قرآن) جزء (۱/۳ قرآن) و ۱/۱، ۱/۹، ۱/۷ و ۱/۵ قرآن نیز با نقش‌های مختلف، مشخص شده است. اسم هر سوره و تعداد آیات آن، با آب طلا و به سبک دیگری نوشته شده است.

نسخه شماره ۸۳ (ص ۱۵۴-۱۵۵) نیز به دلایل مختلف در خور توجه است.

این نمونه، یک ورق از قرآنی است که در اصفهان، رمضان ۳۸۳ هـ. ق (۹۹۳ میلادی) تهیه شده است. قطع بزرگ کلمات، غنای تذهیب، قطع افقی آن- که انتخابی غیر معمول برای نسخه‌هایی است که از کاغذ تهیه شده‌اند- و نوع خط آن، ممتاز بودن آن را موجب شده است. این تک ورق از آیه ۵۹ سوره نجم تا ۵ سوره قمر را در بر می‌گیرد. متن با جوهر مشکی و نقط و اعجام با خط‌های کوچک مایل، نوشته شده‌اند. از نقطه‌های رنگین برای حرکت، همزه و تشدید استفاده شده است. انتهای هر تک آیه هر دسته ۱۰ تایی از آیات با نقش‌های مختلف معین شده‌اند. نام سوره قمر و تعداد آیات آن با آب طلا نوشته شده‌اند.

و نسخه دارای تذهیب‌های زیبایی است.

نمونه ممتاز دیگری که در این فصل معرفی شده است، نمونه شماره ۸۴ است (ص ۱۵۶-۱۶۵) نسخه‌ای که در این کلکسیون وجود دارد، ۱۲۲ ورق از قرآن ۷ جلدی، متعلق به قرن ۱۱ میلادی است که از کاغذ، در قطع ۲۳ × ۳۶ cm با ۸ خط در هر صفحه تهیه شده است. نسخه مشابهی از آن در آستان قدس نگهداری می‌شود. درشتی حروف یکی از ویژگی‌های این نسخه است. متن آن با جوهر مشکی است از خط‌های کوچک مایل برای نقط و اعجام استفاده شده است. گرچه حرکات، همزه، وصل، سکون، تشدید، به شکل امروزی شان هستند، اما همچنان سنت قدیمی استفاده از رنگ‌های مختلف متفاوت از متن، برای نوشتن آنها به کار رفته است. در این نسخه، تک آیات، دسته ۵ تایی و ۱۰ تایی از آیات در خود متن، با نقش‌های گوناگون معین شده‌اند، اما دیگر تقسیمات آیات و سوره‌ها، در حاشیه متن آمده‌اند. اسم سوره و شماره آیات آن با آب طلا، در زمینه‌ای از تذهیب نوشته شده که در کناره آن، محل نزول سوره نیز مشخص شده است. این نسخه به لحاظ تعداد صفحاتی هم که در هر quire آن هست، متفاوت می‌باشد. همچنان که به لحاظ تذهیب بسیار غنی است. در هر مجلد از این قرآن ۷ جلدی، یک جفت صفحه آغازین و انتهایی آن، تذهیب شده‌اند. در ص ۱۵۷ نیمی از آغازین صفحات، مجلد نخست نمایش داده شده که متضمن جدولی از تعداد کلمات، حروف، نقطه‌ها و ... است. دو صفحه آغازین قرآن از سوره حمد و اول بقره تشکیل شده که به زیبایی تذهیب و قرینه‌سازی شده‌اند (ص ۱۵۸-۱۵۹) قسمت‌های دیگر متن نیز به مناسبت، با هنرمندی تذهیب شده‌اند. این کتاب با معرفی نسخه‌هایی از قرآنهای قرن ۱۲ میلادی پایان می‌پذیرد.

در نهایت اشاره به اطلاعاتی که ذیل معرفی هر نمونه، ارائه شده، مفید می‌باشد. در هر مورد تعداد صفحات، ابعاد نسخه، ابعاد قسمت مربوط به متن، تعداد سطرها، جنس مواد استفاده شده برای نوشتن، نوع خط، شماره بازبایی آن در این کلکسیون و اینکه احياناً قسمت‌های دیگر همین نسخه در کجا نگهداری می‌شود، ارائه شده است. در ادامه، ویژگی خط شیوه ثبت نقط، اعجام، اعراب، حرکت، همزه، تشدید، نوع نقش‌های به کار رفته برای فواصل آیات، انواع تذهیب، اطلاعات مربوط به صحافی و احياناً تجلید، به تفصیل آمده است. در تمام موارد آیات نسخه، عنوان شده لیکن متن آیه به نقل از آن نسخه خاص نقل نشده است.

مطالعه این مجموعه تحسین برانگیز، برای تمامی قرآن پژوهان و هنردوستان مفید و کارآمد است. این کتاب در کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی در قم موجود است.

○